

## فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۵، تابستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۹۵ تا ۱۲۴

# تأثیر آمریکا بر الگوهای امنیتی منطقه غرب آسیا با تأکید بر حوزه خلیج فارس

اکبر خزلی<sup>۱</sup>

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

## چکیده

به‌طورکلی منطقه غرب آسیا و خلیج فارس به علت وجود منابع عظیم انرژی و تنگه هرمز از مناطق مهم استراتژیک جهان است که همیشه از لحاظ امنیتی و اقتصادی دچار چالش‌های متعددی بوده است، طی سال‌های گذشته به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ‌های متعددی در این منطقه به وجود آمده، لذا در این مقاله سعی بر آن شده تا مسائل امنیتی و اقتصادی منطقه و خلیج فارس بر اساس الگوهای امنیتی مورد بررسی قرار گیرد، سؤال مطرح شده این است که نقش آمریکا در تأثیرگذاری بر این الگوها چگونه است؟ و فرضیه‌ای هم که در این رابطه مطرح کرده‌ایم چنین است که کشورهای منطقه با برقراری امنیت دسته‌جمعی با استفاده از الگوهای موجود می‌توانند از تأثیر آمریکا جلوگیری کنند. در این پژوهش ضمن اشاره به پیمان‌های موجود در این حوزه که عموماً تک‌بعدی و ناکارآمد هستند، می‌کوشیم تا با ترسیم وضعیت امنیتی حاکم بر منطقه، الگویی مناسب برای ترتیبات امنیتی همه‌جانبه و فراگیر ارائه دهیم. در پایان به این نتیجه خواهیم رسید که خلیج فارس از دیرباز همیشه مورد توجه قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای بوده به‌طوری‌که همیشه از این منطقه به‌عنوان یک منبع درآمد مناسب استفاده کرده‌اند و تنها راه برقراری امنیت در این منطقه و جلوگیری از تأثیرگذاری آمریکا متوسل شدن به الگوی امنیت دسته‌جمعی است.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت، منطقه غرب آسیا، خلیج فارس، آمریکا.

۱. دانشجوی دکتری امنیت ملی دعا و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع). Khezeli6572@chmail.ir

## مقدمه

موقعیت جغرافیایی منطقه خلیج فارس به گونه‌ای است که به محور ارتباطی بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوب شرقی تبدیل شده است. بیش از ۶۳ درصد از ذخیره نفت خام و ۴۰ درصد منابع گازی جهان در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس موجود می‌باشد. در دنیای امروز موقعیت‌های استراتژیک جوامع بر اساس منابع انرژی‌شان دسته‌بندی می‌شوند (sajedi, 2009: 77).

منطقه غرب آسیا و خلیج فارس و کشورهای همجوار در معادلات سیاسی جهان امروز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند، این اهمیت به لحاظ ژئواستراتژی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر می‌باشد.

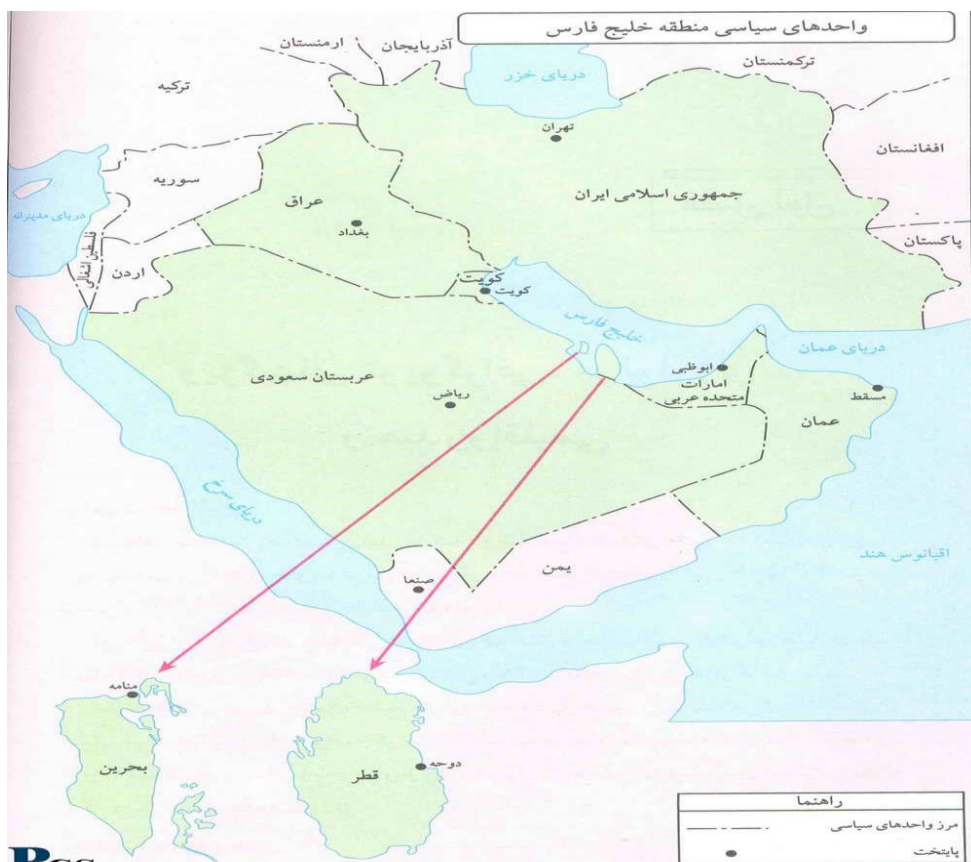
در حوزه استراتژیک، دنیای امروز شاهد چالش‌های بزرگی است که منطقه خلیج فارس به دلیل اهمیت سوق‌الجیشی می‌تواند در تحولات آینده جهان کاملاً اثرگذار باشد. در حوزه اقتصاد وجود ذخایر عظیم نفتی در این حوزه و نیاز روزافزون جهان به این ماده حیاتی بر اهمیت نقش این منطقه بر معادلات سیاسی جهان می‌افزاید، از طرفی دیگر نوعی خیزش و بیداری ملت‌های اسلامی که از دهه‌های پایانی قرن بیستم شروع و تاکنون نیز ادامه دارد، خلیج فارس را در کانون این مباحث قرار داده است. مسائل فوق که بخشی از ویژگی‌ها حیاتی و تأثیرگذار منطقه غرب آسیاست، بر فرایندهای جهانی، منطقه‌ای و جهان اسلام تأثیر به‌سزایی دارد. ترتیبات امنیتی در خلیج فارس از دیرباز مورد توجه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای قرار داشته است.

## مفاهیم و اصطلاحات

### منطقه خلیج فارس

مفهوم خلیج فارس عبارت از پیشرفتگی دریا در خشکی است که در حد واسط سرزمین ایران و شبه‌جزیره عربستان می‌باشد. این دریا از قدیم بین اعراب بحر الفارس نام داشته و در منابع اسلامی بدین نام آمده است. خلیج فارس از مصب اروندرود که خود از پیوستن

کارون، دجله و فرات به وجود آمده تا شبه‌جزیره مُسندَم در عمان امتداد و از طریق دریای عمان با اقیانوس هند ارتباط دارد (الهی، ۱۳۸۴: ۴). منطقه‌ی خلیج فارس از هشت واحد سیاسی؛ شامل ایران، عراق، عربستان سعودی، قطر، عمان، امارات متحده عربی، کویت و بحرین تشکیل شده است. این منطقه را می‌توان بر اساس خصصت‌های مشترک و متمایز که الگوی کنش متقابل منطقه‌ای را شکل می‌دهند، یک واحد و منطقه ژئوپلیتیک بارز در جهان دانست (زین‌العابدین، ۱۳۸۵: ۹۶).



**Pgs**

[www.Persiangulfstudies.com](http://www.Persiangulfstudies.com)

[Info@persiangulfstudies.com](mailto:Info@persiangulfstudies.com)

نقشه شماره (۱) - واحدهای سیاسی منطقه خلیج فارس

منبع: (روان‌بخش و پورفیکوئی، ۱۳۹۰: ۹۸)

## امنیت

تعریف فرهنگ‌های لغات از «امنیت»، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. «امنیت»<sup>۱</sup> همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه است. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند (ربیعی، ۱۳۸۳: ۴۳). از سوی دیگر، امنیت پدیده‌ای متأثر از مؤلفه‌های مادی - ذهنی به شمار می‌آید که دیگر چگونان دوران جنگ سرد، نمی‌توان آن را در ذیل ملاحظات نظامی تعریف نمود (مکین لای، آریلتل، ۱۳۸۱: ۵۹).

### خلیج فارس به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای

«مجموعه امنیتی منطقه‌ای» گروهی از کشورها را شامل می‌گردد که وابستگی متقابل امنیتی میان آنان به حدی است که امنیت ملی آنان را نمی‌توان جدا از یکدیگر فرض نمود (باری بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۶).

تعیین و شناخت مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای ناشی از ویژگی‌هایی است که در جهت تشریح و توضیح تعاملات امنیتی دسته‌ای از کشورها به کار می‌رود. باری بوزان نظریه پرداز مجموعه امنیتی منطقه‌ای در جهت شناخت یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای ویژگی‌هایی را لازم و ضروری می‌داند. وی بر این باور است که یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای عناصری بدین شرح است:

- ۱- وجود وابستگی متقابل امنیتی میان اعضا.
- ۲- وجود الگوهای دوستی و دشمنی.

۳- نزدیکی و مجاورت جغرافیایی.

۴- وجود حداقل دو بازیگر مؤثر.

۵- استقلال نسبی از سایر مجموعه‌ها (علی عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۸۲-۲۷۹).

اولین و مهم‌ترین ویژگی برای شناخت یک مجموعه منطقه‌ای، وجود «وابستگی متقابل امنیتی» یا آن‌گونه که خود بوزان اظهار می‌دارد وجود احساس تهدید یا ترس متقابل میان دو یا چند دولت مقتدر است (باری بوزان، پیشین: ۲۱۹). این مسئله را می‌توان در وجود نگرانی‌های عمده امنیتی کشورهای هم‌جوار خلیج فارس جستجو نمود. با این حال وجود این نگرانی‌ها همچنین از جمله عوامل اصلی ایجاد وابستگی متقابل میان اعضای یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیز می‌باشد. این عنصر ویژگی کلیدی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای است.

دیگر ویژگی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، وجود الگوهای دوستی و دشمنی است؛ اما شاید بهتر باشد در جهت تطبیق این ویژگی با منطقه مورد بحث؛ یعنی خلیج فارس، از واژه تعدیل‌یافته دوستی و سوءتفاهم به‌جای دشمنی میان کشورهای این منطقه استفاده نماییم. این ویژگی به‌طور عمده ناظر بر وجود اختلافات میان کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌باشد. برخی از این اختلافات در حال حاضر به‌عنوان مثال به اختلافات ارضی و مرزی کشورهای منطقه خلیج فارس اشاره دارد: اختلافات مرزی میان عراق و کویت که در حال حاضر حل شده فرض می‌شوند، اختلاف عربستان و کویت بر سر جزایر قارو و ام‌المرادم، اختلاف عربستان سعودی و قطر بر سر برخی نواحی مرزی، اختلاف بحرین و قطر بر سر مجمع‌الجزایر حواری، اختلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی (ابوظبی) بر سر مناطق بوریمی و لیوا، اختلافات امارات متحده عربی و عمان بر سر نواحی منطقه دیبا. این اختلافات حتی در پاره‌ای از مواقع به بروز تنش‌های میان دولت‌های منطقه نیز منجر گردیده است که از آن جمله برخوردهای مرزی میان عربستان سعودی و قطر در سال ۱۹۹۲ و اختلافات میان بحرین و قطر که از سال ۱۹۹۸ در دیوان بین‌المللی دادگستری مورد بررسی قرار گرفته است (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۲) و در نهایت ادعاهای امارات متحده عربی در

خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و در گذشته نیز اختلافات میان ایران و عراق بر سر اروندرود بود که منجر به عقد قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر گردید.

اما سومین ویژگی مجموعه امنیتی منطقه‌ای؛ یعنی مجاورت جغرافیایی، محل اختلاف می‌باشد. هرچند این ویژگی یک عامل لازم در تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه به حساب می‌آید اما همان‌گونه که لیک و مورگان (رجوع شود به دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان، نظم‌های منطقه‌ای، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۱) استدلال می‌کنند دارای اشکال می‌باشد. بر این اساس ایالات متحده در حال حاضر به‌عنوان یک قدرت خارجی اما تأثیرگذار بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای در خلیج فارس عمل می‌نماید، درحالی‌که از لحاظ جغرافیایی جزو این مجموعه محسوب نمی‌گردد.

دیگر ویژگی مهم یک مجموعه منطقه‌ای، وجود حداقل دو بازیگر مؤثر در آن می‌باشد. ایران، عربستان و عراق از دیرباز از جمله بازیگران مهم و تأثیرگذار در منطقه خلیج فارس محسوب می‌گردند. به این‌گونه ملاحظه می‌گردد که منطقه خلیج فارس، تمامی ویژگی‌ها و خصوصیات یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را در خود دارا می‌باشد و از این لحاظ اطلاق نام مجموعه امنیتی منطقه‌ای کاملاً با شرایط منطقه انطباق دارد.

مسئله دیگر در خصوص تهدیدات امنیتی، گستردگی موضوعات امنیتی در سطح منطقه می‌باشد. اگر امنیت را در شکل موسع آن آن‌گونه که مورد نظر مکتب کپنهاک می‌باشد تعریف نماییم، در این صورت ملاحظه می‌گردد که به‌رغم وجود برخی تهدیدات امنیتی دائمی در منطقه که از گذشته وجود داشته است، در حال حاضر ضروری است تا به دیگر ابعاد امنیت در سطح منطقه نیز توجه بیشتری گردد. ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی نیز علاوه بر ابعاد نظامی و سیاسی به‌خصوص طی سال‌های اخیر درخور توجه بیشتری می‌باشند. به‌عنوان مثال بُعد زیست‌محیطی امنیت در منطقه خلیج فارس با توجه به آلودگی‌های شدید اکولوژیکی منطقه و تشدید بحران آب در طی سال‌های اخیر، لزوم توجه بیشتری از سوی کشورهای منطقه را می‌طلبد. نشت نفت در

طول جنگ‌های خلیج فارس از طریق میدان نفتی نوروز و ورود بیش از ۱۱ میلیون بشکه نفت در جریان حمله عراق به کویت و نیز نشت سالانه ۱/۵ میلیون تن نفت به آب‌های خلیج فارس و دریای عمان، تأثیر به‌سزایی را در افزایش آلودگی آب‌های خلیج فارس داشته، به طوری که در حال حاضر آلودگی خلیج فارس و دریای عمان ۴۷ بار بیشتر از متوسط جهانی آن است.<sup>۱</sup> افزون بر این بررسی‌های اخیر نشان داده است که در این دریا، میزان کادمیوم و نیکل هزار برابر، کبالت و روی ۳۰۰ برابر و سرب بیش از ۲۰ هزار برابر بیشتر از آب‌های پاک است.<sup>۲</sup> از دیگر چالش‌ها و تهدیدات امنیتی در سطح منطقه می‌توان به قاچاق مواد مخدر اشاره نمود. این مسئله نیز از جمله نگرانی‌های مشترک تمامی کشورهای منطقه به حساب می‌آید. به خصوص مجاورت مرزی ایران با کشور تولیدکننده مواد مخدر؛ یعنی افغانستان، باعث می‌گردد تا سایر کشورهای منطقه نیز از این ناحیه مورد تهدید واقع گردند؛ بنابراین پاره‌ای از مسائل و مشکلات دیگر وجود دارند که به‌رغم محو شدن در سایه سایر تهدیدات، از جمله مسائل مهم تهدیدکننده امنیت ملی کشورهای منطقه به شمار می‌روند.

بنابراین ملاحظه می‌گردد که با گسترش ابعاد امنیت در منطقه و توجه به سایر ابعاد و چالش‌های امنیتی، نگرانی‌های امنیتی بیشتری شناسایی می‌گردند که به احتمال زیاد جزو نگرانی‌های مشترک تمامی کشورهای منطقه خواهند بود. در حال حاضر در سطح منطقه خلیج فارس، تهدیدات بسیاری وجود دارند که جزو نگرانی‌های اولیه و مشترک کشورهای منطقه می‌باشند. این تهدیدات همچنین به‌عنوان عوامل بی‌ثبات‌کننده امنیت در منطقه، به‌عنوان مانعی در جهت شکل‌گیری هرگونه نظم امنیتی جدید نیز عمل می‌نمایند. تهدیدهای فراملی و منازعات میان دولتی، افراط‌گرایی، جنایات سازمان‌یافته، پول‌شویی، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی، بلایای بهداشتی و زیست‌محیطی مانند بحران آب، قاچاق دارو و مهاجرت‌های غیرقانونی از جمله این عوامل محسوب می‌گردند.

---

۱. فعالیت‌های نظامی تهدیدکننده محیط زیست خلیج فارس: <http://www.hamshahrionline.ir>

۲. تنگناهای محیط زیست در خلیج فارس: <http://www.hamshahrionline.ir>

حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و حمایت از رژیم‌های استبدادی حوزه خلیج فارس به بهانه حفظ منافع ملی خود نیز جزو نگرانی‌های اصلی کشورهای منطقه می‌باشد. گراهام فولر، قائم‌مقام سابق شورای امنیت ملی آمریکا این مسئله را مطرح می‌کند که: «بازهم واشنگتن در برابر یک انتخاب سخت قرار گرفته که میراث دهه‌ها موضع‌گیری تک‌سویه آن‌هاست: تداوم حمایت از رژیم‌های خودکامه محلی به بهانه نخ‌نما شدن «منافع آمریکا»؟ و حمایت از پایگاه‌های نظامی که در آنجا مستقر کرده، به هر قیمت و در نتیجه تشدید خشم مردم؟ و یا دست برداشتن از حمایت رژیم‌های استبدادی و فراهم کردن بستر مناسب تا اینکه روند طبیعی جریان‌ها طی شود و پذیرش واقعیات؟ سؤال اساسی این است که آمریکا تا چه زمانی باید به حمایت از شرایط زشت کنونی ادامه دهد؟ هرچقدر بیشتر انتظار بکشیم شرایط بدتر خواهد شد» (Fuller, 2011: 75).

خروج این نیروها می‌تواند به رفع سوءتفاهمات میان کشورهای منطقه و فراهم نمودن زمینه‌های همگرایی و تعامل بیشتر میان اعضا کمک نماید؛ زیرا نفوذ و رسوخ قدرت‌های خارجی در منطقه و در بسیاری از موارد با مداخله در امور منطقه‌ای، بر گزینه‌های پیش‌روی کشورهای منطقه تأثیر گذاشته است و انتخاب‌های آنان را محدود نموده است (دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان. نظم‌های منطقه‌ای، ۱۳۸۱: ۳۷۳).

این مسئله به‌طور اساسی از جمله عوامل ایجاد چالش میان برخی از کشورهای منطقه به‌خصوص ایران با سایر کشورها محسوب می‌گردد. در صورت خروج و یا کاهش نیروهای فرامنطقه‌ای، محرک نیرومندی در اختیار برخی از کشورهای منطقه (به‌خصوص ایران) در جهت ورود به هرگونه ترتیبات امنیتی جدید در منطقه قرار خواهد گرفت (شهرزاد ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۲)؛ زیرا تنها در این صورت است که کشورهای معترض به این نتیجه خواهند رسید که نگرانی‌های آنان نیز از سوی دیگر کشورهای منطقه به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین از لحاظ روانی نیز فضای لازم برای ایجاد حس همکاری و تعامل ایجاد گردیده است.



### تأمین امنیت منطقه‌ای در چهارچوب سیستم امنیت دسته‌جمعی

اکنون و پس از تعیین خلیج فارس به عنوان یک مجموعه، برای تنظیم روابط امنیتی میان کشورهای عضو از یک سو و مقابله با تهدیدات و چالش‌های درون و برون منطقه‌ای از سوی دیگر، به یک سیستم امنیتی کارآمد نیاز است؛ بنابراین فارغ از هرگونه برداشت و ادراکی از سوی کشورهای عضو مجموعه، تعامل و همکاری آن‌ها در چهارچوب یک نظم امنیتی بیش از آنکه تابع اراده و خواست آن‌ها باشد، برخاسته از یک ضرورت و نیاز مشترک خواهد بود. بر این اساس، کشورهای این منطقه در یک سیستم امنیتی به هم پیوسته و به عنوان یک مجموعه، متأثر از وابستگی متقابل امنیتی میان همدیگر به سر می‌برند. این امر بیش از هر چیز دیگر بیانگر این مسئله است که تنها راه مقابله با تهدیدات و چالش‌های موجود و نیز تأمین امنیت و حفظ ثبات در منطقه، استفاده از سازوکاری است که در آن تمامی اعضا با مشارکتی همه‌جانبه حضور داشته باشند. استفاده از سیستم امنیتی دسته‌جمعی این فرصت و امکان را در اختیار کشورهای منطقه قرار خواهد داد. (McMillan, 2003: 161-163)

الگوی پیشنهادی مبتنی بر مشارکت و همچنین مسئولیت امنیتی چندجانبه است. بر اساس این الگو به هر میزان، بازیگران منطقه‌ای در شکل‌بندی ساختار امنیت خلیج فارس نقش مؤثری داشته باشند، بی‌ثباتی‌های موجود کاهش یافته و زمینه برای ایجاد ثبات منطقه‌ای فراهم می‌گردد (باثبات‌سازی منطقه‌ای و اجتماع امنیتی در خلیج فارس، ترجمه ابراهیم متقی). تأکید در جهت استفاده از این سیستم بیش از هر چیز نشان‌دهنده ناکارآمدی ترتیبات امنیتی در گذشته می‌باشد. سامانه‌های گذشته از دو نقیصه مهم برخوردار بودند. نخست یا به مانند شورای همکاری خلیج فارس اتحادی علیه دیگر کشورها (ایران) بودند و یا به مانند استراتژی‌های امنیتی ایالات متحده آمریکا در سطح منطقه، از ویژگی هژمونیک برخوردار بودند. (Kraig & assessing, 2004: 145-147) این دو نقیصه به همراه این مسئله که دو کشور ایران و عراق همواره از ترتیبات منطقه‌ای کنار گذاشته شده‌اند، از جمله عوامل ناکارآمدی سامانه‌های تأمین امنیت در منطقه خلیج فارس در گذشته به حساب می‌آیند. این

در حالی است که در یک سیستم امنیتی دسته‌جمعی، امنیت تنها از طریق همراهی و مشارکت تمامی اعضا میسر خواهد بود. چراکه اساس استراتژی امنیت دسته‌جمعی در این است که امنیت باید در کنار دیگر کشورها جستجو گردد و علیه آن‌ها نباشد. در این صورت اگر تمامی کشورهای منطقه به آهستگی در یک شبکه از روابط امنیتی درهم‌تنیده اقتصادی و نظامی مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی، با هم به تعامل پردازند، آینده خلیج فارس امیدوارکننده خواهد بود (مایکل کریگ، ۱۳۸۶: ۳۱).

بنابراین مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه هنگامی شکل می‌گیرد که دریاپیم اقدامات مربوط به مدیریت، تأمین و حفظ امنیت و صلح در یک مجموعه امنیتی نه تنها منحصر به قدرت‌های بزرگ نیست بلکه همچنین این اقدامات باید از موافقت سایر اعضای کوچک‌تر نیز برخوردار گردد (دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان، پیشین: ۵۹). به این ترتیب در یک نظام امنیتی دسته‌جمعی، حقوق همه کشورها حتی کشورهای کوچک نیز به رسمیت پذیرفته می‌شود (علی عبدالله خانی، پیشین: ۳۷۰). این مسئله بیانگر این مطلب است که موفقیت یک سیستم امنیت دسته‌جمعی در این است که مشارکت همه‌جانبه و حضور تمامی اعضای یک مجموعه فارغ از سلسله‌مراتب قدرت، برای تأمین و ثبات کل مجموعه ضروری خواهد بود. (McMillan, 2003: 165)

از سوی دیگر نظام امنیت دسته‌جمعی می‌کوشد تا توجه کشورهای درگیر در مجموعه را به برخورداری از منافع بیشتر در صورت همکاری در خصوص موضوعات و مسائل مشترک مورد نظر کشورهای عضو سیستم جلب نماید؛ زیرا هدف اصلی در یک نظم امنیتی دسته‌جمعی، تعامل در مورد مسائل مشترک و قابل توجه تمامی طرف‌ها است و تلاش دارد که اعضا در خصوص ادراکات خود در زمینه تهدیدها و فرصت‌های موجود در جهت ایجاد تغییرات مثبت در جهت نیل به منافع بیشتر به اجماع و توافق برسند (مایکل کریگ، پیشین: ۲۸)؛ بنابراین کشورهای منطقه فارغ از برخی اختلافات، می‌توانند به منافع مثبت حاصله از همکاری و همگرایی در جهت مقابله با تهدیدات و چالش‌ها در سطح منطقه بیندیشند. به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که مجموعه امنیتی خلیج فارس متشکل از کشورهایی است که

به‌رغم وجود برخی اختلافات، در خصوص بسیاری از تهدیدات و چالش‌های منطقه‌ای، نگرانی‌های مشترکی دارند. (Pollack, 2003: 18) ثبات در منطقه، حل بحران عراق، تأمین و تضمین جریان آزاد انتقال انرژی، همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان کشوری، مبارزه با تروریسم، مقابله با بنیادگرایی و افراطی‌گری، جرائم سازمان‌یافته، مهاجرت‌های غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و حفظ محیط‌زیست از جمله نگرانی‌ها و دغدغه‌های مشترک کشورهای منطقه می‌باشند.

بنابراین و در واقع امنیت دسته‌جمعی بر این فرض استوار است که حتی با وجود رقابت و خصومت؛ دشمنان نیز مانند دوستان وجود محدودیت‌ها و موانعی را در رفتارهای خود خواهند پذیرفت (مایکل کریگ، پیشین: ۱۲). این به آن معناست که صرف وجود اختلاف میان برخی از کشورها نمی‌تواند مانعی در راه رسیدن به همکاری و تعامل میان آن‌ها در یک نظام امنیتی دسته‌جمعی باشد. بر همین اساس ملاحظه می‌گردد که وجود پاره‌ای از اختلافات میان دو کشور ایران و امارات، نتوانسته مانع از روابط نسبتاً بالای تجاری و اقتصادی میان دو کشور گردد.

دیگر ویژگی ترتیبات امنیتی منطقه در گذشته، هژمونیک بودن آن‌هاست. استراتژی ایالات‌متحده در طی سال‌های اخیر در منطقه همواره یک استراتژی هژمون‌محور بوده است. این مسئله هرچه بیشتر سبب خواهد شد تا نظم امنیتی موجود همواره در معرض خطر گسست قرار بگیرد. این استراتژی همچنان نیز در دستور کار ایالات‌متحده قرار دارد؛ بنابراین احتمال شکست سیاسی آن بسیار بیشتر است و از سوی دیگر توافقات دوجانبه این کشور در منطقه نیز نمی‌تواند به حل کشمکش‌های سیاسی موجود کمک نماید (مایکل کریگ، پیشین: ۳۰). استراتژی امنیتی آمریکا همواره بر این اساس استوار بوده که دو کشور ایران و عراق از ترتیبات موجود در منطقه بیرون نگه داشته شوند. این در حالی است که همان‌گونه که ذکر گردید در یک مجموعه منطقه‌ای و در یک سیستم امنیتی دسته‌جمعی موفقیت، تأمین امنیت تنها در گرو مشارکت تمامی اعضا می‌باشد؛ بنابراین هرگونه تلاش از سوی آمریکا برای بنا نهادن یک سیستم جدید امنیت برای خلیج‌فارس به‌عنوان اتحادی علیه ایران با استفاده از

شورای همکاری خلیج فارس و متحدان عراقی پس از صدام، بسیار شکننده خواهد بود که به مانند سیستم‌های گذشته با شکست مواجه خواهد شد. (Rathmell & Karasik & Gompert, 2003: 10) این مسئله مطلوب سایر کشورهای منطقه خلیج فارس نیز نمی‌باشد. حتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز بهترین گزینه برای ایالات متحده آمریکا را گفتگو با ایران می‌دانند. به باور آن‌ها همکاری با ایران بسیار اثربخش‌تر از سیاست سد نفوذ در برابر آن خواهد بود. آن‌ها همچنین خواستار این مسئله هستند که واشنگتن نگرانی‌های امنیتی ایران را مورد توجه قرار دهد و مانع از همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک ایران با کشورهای منطقه نگردد. به‌علاوه خواهان این مسئله هستند که آمریکا به تحریم‌های اقتصادی خود علیه ایران خاتمه دهد. از نظر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ایران و عراق آنی‌ترین خطر محسوب نمی‌گردند و آن‌ها بر این باورند که ایالات متحده باید راهبردهایی را در جهت همکاری مثبت با ایران در پیش بگیرد (جویدیس اس. یافه، ۱۳۸۶: ۲۱).

اما مسئله دیگر در خصوص شکل‌گیری نظام امنیت دسته‌جمعی در یک منطقه تا حد زیادی به برداشت‌ها و ادراکات کشورهای منطقه به‌خصوص قدرت‌های بزرگ در خصوص این سیستم مربوط خواهد بود. به این ترتیب موفقیت یک سیستم امنیت دسته‌جمعی تا حد زیادی در گرو به رسمیت شناختن منافع بازیگران درگیر از سوی همدیگر خواهد بود؛ بنابراین اقدامات مشروع برای دفاع از خود برای برخی از اعضا باید به رسمیت شناخته شود. به‌عنوان مثال حق ایران برای دفاع از خود مانند برخورداری از ارتشی قدرتمند، به رسمیت شناخته شود و از سوی دیگر محدودیت‌ها در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی حتی باید شامل کشورهایی چون آمریکا، رژیم صهیونیستی، پاکستان و هند نیز به اجرا درآید (مایکل کریگ، همان).

نظام امنیت دسته‌جمعی می‌تواند از سوی ایران نیز پذیرفته شود. سابقه ایران در خصوص تأمین امنیت منطقه‌ای این مسئله را تأیید می‌کند. سیستم امنیت دسته‌جمعی در واقع جزو اولین خواسته‌های ایران بوده است. پس از خروج نیروهای انگلیسی از منطقه

خلیج فارس، ایران بر این باور بود که هر سیستم امنیتی برای منطقه که حتی بدون مشارکت یکی از کشورهای ساحلی باشد افزون بر ناقص بودن، به‌عنوان تهدیدی علیه کشور یا کشورهای غیر عضو این سیستم تبدیل خواهد شد (پیروز مجتهدزاده، پیشین: ۵). حتی می‌توان ادعا نمود که مسئله امنیت در خلیج فارس اصولاً یک نگرانی و دغدغه ایرانی است، زیرا حیات اقتصادی ایران در زمینه صادرات نفتی و غیرنفتی و واردات به‌طورکلی به آب‌های خلیج فارس وابستگی بسیاری دارد (پیروز مجتهدزاده، پیشین: ۸)؛ بنابراین حفظ ثبات و تأمین امنیت در خلیج فارس همیشه جزو نگرانی‌های اولیه امنیتی ایران بوده است و خواهد ماند.

### ارائه الگویی مناسب در ترتیبات جدید امنیتی منطقه

وضعیت امنیتی منطقه با پیچیدگی‌هایی مواجه شد و به‌رغم انعقاد پیمان‌های متعدد دفاعی، کشورهای منطقه با قدرت‌های غربی، توفیق چندانی نداشته و روند رو به تزاید نگرانی‌های امنیتی به‌ویژه پس از ناکامی‌های آمریکا در حملات نظامی به عراق و افغانستان، سبب این شد که کشورهای منطقه به سمت الگوهای دیگری برای ایجاد امنیت در منطقه گرایش یابند. به‌رغم حضور گسترده نظامیان آمریکایی در منطقه، تلاش ناتو برای حضور بیشتر و انعقاد قرارداد امنیتی با کشورهای نظیر امارات، عربستان، قطر و برنامه مستقل کشورهای نظیر، روسیه، فرانسه، انگلستان برای انعقاد قراردادهای جداگانه، بخشی از این برنامه‌ها است. اما به دلیل تک‌بعدی و یک‌جانبه بودن این پیمان‌ها و نادیده انگاشتن مؤلفه‌های اساسی قدرت در منطقه خلیج فارس، چشم‌انداز روشنی در ایجاد امنیتی فراگیر در منطقه دیده نمی‌شود و همین امر کشورهای منطقه را در موفقیت این الگوها با تردید مواجه ساخته است.

### پیمان‌های موجود

### پیمان‌های چندجانبه

### شورای همکاری خلیج فارس

این شورا در فوریه ۱۹۸۱ در نشست ریاض تأسیس شد. چیزی که بیش از همه شش کشور عربی را برای تشکیل این شورا ترغیب می‌کرد، جنگ ایران و عراق بود.

شش کشور عربی حوزه خلیج فارس (امارات متحده عربی، بحرین، عربستان، عمان، قطر و کویت) در ماه می ۱۹۸۱ میلادی ایجاد شورای را بین خودشان با عنوان «شورای همکاری خلیج فارس» بدون حضور ایران و عراق اعلام کردند (نیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۵۴).

این شش کشور به جز عربستان طی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی و اوایل دهه هفتاد قرن بیستم میلادی به استقلال رسیدند. از این رو عدم استقلال پیش از این و وابستگی امنیتی این کشورها به خارج از منطقه، یکی از عوامل مشترک این کشورها به شمار می‌آید و طبیعی است که هر یک به نوبه خود در جهت تشکیل یک اتحادیه برای حفظ منافع مشترک، اقداماتی را انجام داده باشد (لی نوری، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

عربستان سعودی مهم‌ترین هم‌پیمان ایالات متحده در خلیج فارس (فارس) است. عربستان و آمریکا در این منطقه منافع مشترکی در محدود کردن و مهار ایران و حصول اطمینان از امنیت خلیج فارس و جریان پایدار صادرات نفت دارند (Alsiss, Allison & Cordesman, 2012: 8).

تشکیل این شورا به بخشی از تدابیر اتخاذ شده توسط آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران و همچنین اوضاع افغانستان (حمله شوروی به این کشور) نیز مربوط می‌شد، اما این سیستم برای برقرار کردن امنیت در منطقه کارا نبود؛ چراکه این سیستم حضور دو کشور بزرگ منطقه را با خود به همراه نداشت. شورای همکاری خلیج فارس یک مدل همکاری دسته‌جمعی ناقص بود که در عین حال قدرت‌های خارجی مانند آمریکا در آن نفوذ بسیار زیادی داشته و دارند.

## پیمان ۶+۲

پیمان ۶+۲ اقدامی بود که از جانب آمریکا و پس از پایان جنگ خلیج فارس در دهه ۹۰ میلادی به دنبال برگزاری نشست‌های دمشق پیگیری شد. این پیمان ناظر به تشکیل نیروی نظامی فعال در منطقه به منظور دفاع از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هنگام روبه‌رو شدن با تجاوز خارجی بود.

ایران بر برداشت‌های شورای همکاری درباره «اتکا به خود» و «منطقه‌نگری» تأکید کرد و امیدوار بود که از طریق استراتژی همکاری با شورای همکاری خلیج فارس،

موجب کاهش وابستگی خارجی شورا و اتکای آن به خارج و به ویژه آمریکا شود. در عین حال، فرمول ۶+۲ (اعلامیه دمشق) و تأسیس ساختار امنیتی منحصراً عربی برای خلیج فارس، به عنوان دشمنی ضمنی، مورد توجه قرار گرفت (Chubin, 1999: 252) و شکل گیری بحران روابط ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه ایرانی در آوریل و اوت ۱۹۹۲ میلادی، ضربه ای دیگر بر تلاش های همگرایانه امنیتی ایران به شمار می رفت. ایران در مقابل طرح ۶+۲ توازن بخشی خود را به سود امنیت دسته جمعی کنار گذاشت و خواستار مشارکت خود و عراق در شورای همکاری خلیج فارس شد (هوشنگ امیراحمدی، سیاست خارجی منطقه ای ایران: ۶).

### نفوذ ناتو در منطقه از طریق شورای همکاری خلیج فارس

کویت، قطر، بحرین و امارات، چهار کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس بودند که به طرح همکاری استانبول که از سوی ناتو برای جذب کشورهای دوست به منظور همکاری با این پیمان مطرح شد، دعوت شدند.

سران ناتو از این دعوت دو هدف را دنبال می کردند: یکی سنجدیدن عضویت این کشورها در ناتو و دیگری زمینه سازی برای همکاری بیشتر با شورای همکاری خلیج فارس.

### پیمان های دو جانبه

#### آمریکا و بحرین

بحرین نیز در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۱ میلادی موافقت نامه همکاری های دفاعی با آمریکا را امضا کرد (هالیس راسماری، ۱۳۷۲: ۷۳-۶۹). با انعقاد پیمان همکاری دفاعی، زمینه استقرار مجدد ناوگان پنجم ایالات متحده در ژوئن ۱۹۹۵ میلادی در بحرین فراهم شد.

امکان انجام مأموریت های جنگی هوایی علیه افغانستان و عراق از بحرین، حضور ۴۷۰۰ کارمند نیروی دریایی آمریکا و کسب جایگاه متحد غیر عضو ناتوی ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ میلادی از دیگر ابعاد پیمان مشترک دو کشور است.

### آمریکا - کویت

انعقاد پیمان دفاعی ۱۰ ساله با ایالات متحده در سال ۱۹۹۱ میلادی و تجدید آن در سال ۲۰۰۱ میلادی برای ۱۰ سال دیگر، افتتاح مقر فرماندهی نیروی ضربت مشترک در دسامبر ۱۹۹۸ میلادی و هزینه ۱۷۰ میلیون دلاری جهت ارتقای دو پایگاه هوایی کویت و استقرار ۹۰۰۰۰ نیروی نظامی آمریکا در این کشور بخشی از ابعاد این پیمان است.

انعقاد پیمان دفاعی دهساله آمریکا - کویت و استراتژی جدید آن مبنی بر گسترش و مداخله‌گرایی منطقه‌ای، مانع جدی همکاری ایران با کشورهای منطقه بود (هوشنگ امیراحمدی، ایران و خلیج فارس دیدگاه‌ها و مسائل استراتژیک: ۴۹۸).

### آمریکا - قطر

قطر در ۲۳ ژوئن ۱۹۹۲ میلادی یک قرارداد دفاعی با آمریکا امضا کرد (هالیس راسماری، امنیت خلیج فارس، ۱۳۷۲: ۷۳-۶۹). همچنین ساخت مرکز عملیات هوایی در پایگاه هوایی العدید در سال ۲۰۰۳ میلادی و میزبانی فرماندهی مرکزی ایالات متحده با حضور شش هزار کارمند نیروی هوایی آمریکا در قطر بخشی از توافقات امنیتی کشور است.

### آمریکا - امارات

انعقاد پیمان دفاعی با ایالات متحده در ۲۵ جولای ۱۹۹۴ میلادی و حضور ۱۸۰۰ کارمند نظامی آمریکا در این کشور همراه با انعقاد قراردادهای کلان برای خرید تجهیزات متعدد نظامی، بخشی از توافقات دو کشور است. آمریکایی‌ها در سال‌های اخیر تلاش عمده‌ای را برای تحریک اماراتی‌ها علیه ایران در موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس به کار گرفته‌اند.

### آمریکا - عربستان

در عربستان گرچه حساسیت در مورد حضور خارجی‌ها در این کشور وجود دارد، ولی بقایای حضور قدرت‌های متحد در عربستان همچنان باقی است و این کشور با موافقت‌نامه آموزشی پانزده‌ساله با آمریکا موافقت کرده است (هالیس راسماری، امنیت خلیج فارس، ۱۳۷۲: ۷۳-۶۹).



ضمن انعقاد موافقت‌نامه‌های آموزشی و تدارکاتی نظامی، واحدهای عملیات ویژه ایالات متحده از مرکز هوایی در پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در جنوب ریاض در جنگ‌های اخیر آمریکا در منطقه، استفاده گسترده‌ای به عمل آورده و خریدهای کلان نظامی، بخش‌هایی از توافقات دوجانبه بین آمریکا و عربستان است که تاکنون افشا شده است.

### نظام کنونی و بازیگران مؤثر

برای درک بهتر نظام امنیت منطقه‌ای لازم است ابتدا بازیگران منطقه‌ای را احصا و در مرحله بعد نوع الگوی امنیتی را که می‌تواند منافع ملی بازیگران را به صورت نسبی تأمین نماید تعیین نمود.

در منطقه خلیج فارس هفت بازیگر از یکدیگر قابل تفکیک هستند:

#### آمریکا

آمریکا با حمله به عراق و اعزام نیروهای نظامی به منطقه به دنبال تثبیت الگوی «هژمونی برون سیستمی و مستقیم» خود بدون دخالت بازیگران منطقه‌ای یا برون منطقه‌ای در خلیج فارس است.

#### عراق

از سال ۱۹۶۸ میلادی که حزب بعث قدرت را در عراق به دست گرفت تا سال ۱۹۷۵ میلادی که پیمان الجزایر بین عراق و ایران به امضا رسید، عراق منبع تهدید اساسی برای دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس محسوب می‌شد. امنیت از دیدگاه عراق به گونه‌ای تعریف می‌شد که هیچ‌گونه تعارضی با توسعه‌طلبی‌های صدام در منطقه نداشته باشد. تجاوز به ایران و اشغال کویت از دیدگاه صدام حسین، هیچ‌گونه تضادی با امنیت در منطقه خلیج فارس نداشته و برعکس این اقدامات توسعه‌طلبانه در جهت حفظ امنیت عراق صورت گرفته بود. تلاش برای رهایی از گرفتاری ژئوپلیتیکی، صدام را به فکر دستاوردهای ارضی در ایران و متعاقب آن کویت انداخت. عراق با توجه به این اهداف و مقاصدی که

در منطقه دنبال می‌کرد، امکانات خود را بسیج کرد تا امنیت را در چهارچوبی که خود طراحی و تعریف کرده بود، به اجرا درآورد (طاهره ابراهیمی فر، تابستان ۷۸: ۱۵۹).

### عربستان

عملکرد عربستان حاکی از پذیرش آن شکل از ترتیبات امنیتی است که موجب تضعیف پرستیژ و رهبری آن دولت در شورای همکاری خلیج فارس نشود. به همین دلیل تا مدت‌ها این کشور با گسترش شورای همکاری خلیج فارس مخالف بود و حصول مقصود را تنها از طریق همکاری بین شورا و دیگر کشورهای منطقه تجویز می‌کرد (روزماری هالیس، ۱۳۷۲: ۶۳-۶۱). به دنبال الگویی است که در آن بتواند موقعیت خود را ارتقاء و ایران و عراق را کنترل کند، چراکه در این سیستم رهبر منطقه خواهد بود و قدرت خارجی‌ای نیز وجود ندارد که برای او خط‌مشی تعیین کند، لذا به نظر می‌آید این کشور به الگویی شبیه «شورای همکاری خلیج فارس» بدون حضور جمهوری اسلامی ایران بیشتر تمایل دارد.

### امیرنشین‌های خلیج فارس

اصطلاح امنیت از دیدگاه این کشورها، به معنای حفظ موجودیت کشور و بقای حکومت به هر طریق و ابزار ممکن است. این کشورها به دلیل موقعیت و وسعت کم جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در وضعیت آسیب‌پذیری قرار داشته و در سطح منطقه‌ای به عربستان و در سطح فرامنطقه‌ای به آمریکا اتکا دارند (طاهره ابراهیمی فر، تابستان ۷۸: ۱۶۱).

این کشورها به علت وابستگی بیش‌ازحدشان به آمریکا، هرگونه کم‌رنگ شدن حضور آمریکا در ترتیبات امنیت منطقه را به‌منزله تضعیف موقعیت خود قلمداد می‌کنند، لذا ترجیح می‌دهند که ایالات متحده در این ترتیبات چه به‌صورت مستقیم و چه به‌صورت غیرمستقیم حضور داشته باشد.

### ناتو

بحث گسترش جغرافیایی ناتو و از طرفی اهمیت مسائل مربوط به غرب آسیا و به‌خصوص خلیج فارس، اعضای ناتو و به‌خصوص آمریکا را متقاعد کرده که تا با برپایی نشست‌های

مشترک بین این نهاد و شورای همکاری خلیج فارس و حتی ارائه پیشنهاد عضویت کشورهای منطقه خلیج فارس در ناتو، در ترتیبات امنیتی منطقه وارد شوند.

### سایر بازیگران بین‌المللی

سایر کشورها که در خلیج فارس منافع دارند، به‌ویژه کشورهای واردکننده نفت، خواهان برقراری امنیت در منطقه هستند که تضمین‌کننده منافع آن‌ها به‌ویژه در عرضه انرژی باشد، لذا در مواقعی که توانایی کشورهای منطقه را برای برقراری این نوع امنیت کم می‌بینند، برقراری نظام «امنیت دسته‌جمعی برون سیستمی» را برای این منطقه خواهان هستند که آمریکا در آن تنها بازیگر اصلی نباشد.

### جمهوری اسلامی ایران

ایران امنیت مشترک تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی و رعایت امنیت متقابل را شرط امنیت خلیج فارس می‌داند و آن را از یک‌سو محصول روابط متقابل همسایگان و در چهارچوب امنیت دسته‌جمعی و از سوی دیگر، محصول روابط با دیگر بازیگران بین‌المللی به‌ویژه کشورهای صنعتی قلمداد می‌کند. (خلاصه گزارش اجلاس بین‌المللی امنیت در منطقه خلیج فارس، آذرماه ۱۳۸۳) ایران، حاکمیت کشورهای منطقه بر خلیج فارس و حفظ و ثبات آن بدون دخالت قدرت‌های بیگانه و تنظیم فرمولی اصولی و اطمینان‌بخش که مبنای تفاهم مشترک همه کشورهای منطقه خلیج فارس باشد را دنبال می‌کند (سخنرانی کمال خرازی، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس، پیشین: ۶) و حضور ارتش‌های خارجی را تشویق‌کننده بنیادگرایی و تشنج‌آفرینی در منطقه می‌داند. (خلاصه گزارش اجلاس بین‌المللی امنیت در منطقه خلیج فارس، آذرماه ۱۳۸۳)

### وضعیت یا ترتیبات امنیتی

خلیج فارس که هشت کشور غیر هم‌وزن با توان نامتقارن را در برمی‌گیرد، اکنون جهانی‌ترین منطقه از میان مجموعه‌های امنیتی جهان است. این منطقه که زمانی از دو تمدن مستقل ایرانی و عثمانی برخوردار بود، به منطقه پیرامونی در نظام جهانی تحت حاکمیت

غرب تبدیل شده و به صورتی استثنائی در معرض نفوذ و دخالت خارجی قرار دارد. (Brwon, 1984: 3-5) نفوذ غرب در این منطقه به واسطه مجاورت مکانی و تمرکز فوق‌العاده منافع قدرت‌های بزرگ، نفت، راه‌های مواصلاتی و رژیم صهیونیستی است. این منطقه، مهد و قلب جهان اسلام است و جهان اسلام تنها تمدن سنتی (کلاسیک) و بازیگر مهم جهانی است که تاکنون موفق به بازتأسیس خود نشده است. (Barry, 1991: 246-247) این منطقه از سطح امنیت جهانی دوران جنگ سرد و پس از آن، تأثیرپذیری بسیاری داشته و هم‌زمان با برخورداری از سطح امنیتی مستقل، بر سطح امنیتی فراتر خاورمیانه و سطح امنیت جهانی تأثیرگذار بوده است. خلیج فارس به‌عنوان مجموعه امنیتی تلقی می‌گردد؛ زیرا فرایندهای عمده تأمین امنیت و بروز ناامنی در میان کشورهای آن چنان به‌هم پیوستگی دارند که مشکلات امنیتی یکی از آن‌ها را بدون لحاظ نمودن دیگری نمی‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. سه اصل ترتیبات موجود میان واحدها و شیوه تفکیک و تمایز بین آن‌ها، الگوی دوستی و خصومت و توزیع قدرت در بین واحدهای اصلی، ارکان شکل‌دهنده ساختار جوهری<sup>۱</sup> امنیت منطقه‌ای است (باری بوزان، خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا: ۵ و ص ۶۳۴). ترتیبات امنیتی قاعده‌گریز و آنارشیک، تابو نبودن جنگ بازیگران و تأثیر تقارن‌شکن قدرت‌های غربی در منطقه، ساختار جوهری منحصربه‌فردی را در خلیج فارس ایجاد کرده است.

نقش عوامل و مؤلفه‌های بیرونی در منطقه خلیج فارس در کنار اهداف و دیدگاه‌های متفاوت کشورهای منطقه باعث گردیده است که دستیابی به الگویی مناسب برای تحقق امنیت در منطقه دشوار باشد.

اینکه آیا شرایط کنونی به‌رغم انجام توافقاتی میان کشورهای منطقه با قدرت‌های بیرونی الگویی از ترتیبات امنیتی است، مستلزم شناخت ابعاد ترتیبات امنیتی و وضعیت امنیتی است.

### الگوهای ترتیبات امنیتی

برای شناخت الگوی مناسب برای ترتیبات امنیتی خلیج فارس ابتدا لازم است به الگوهای امنیتی موجود اشاره شود.

#### مدل هژمونیک

اینکه ما و یا هر کشور ثالث دیگری عنصر مسلط هژمون در منطقه خلیج فارس باشد و بتواند هر نوع ترتیب امنیتی که با منافع خود سازگاری دارد را برای منطقه تعریف و آن را اعمال کند.

#### مدل بلوک‌های زیرمنطقه‌ای

در این مدل، منطقه امنیتی به چند بلوک زیرمنطقه‌ای تقسیم می‌شود و هر بلوک متناسب با شرایط منطقه‌ای، ترتیبات خاص خود را دارد، اما مجموعه این چند بلوک با هم توافقات و ترتیبات خاص را دارند.

#### مدل سلسله‌مراتبی

در این الگو قدرت سلطه آمریکا به‌عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای به‌صورت دوفاکتو (واقعیت موجود) به رسمیت شناخته می‌شود و در ادامه قدرت‌های منطقه‌ای به‌صورت سلسله‌مراتبی تعریف می‌شوند.

#### مدل موزاییکی

مدل موزاییکی هم یک الگوی دیگری از مدل بلوک‌های زیرمنطقه‌ای است اما به‌صورت جزء‌تر.

## مدل موازنه قوا

مدلی بر اساس مزیت‌های نسبی است. مدلی است که در آن می‌توان غلبه عنصر خارجی را به رسمیت شناخت، اما وجود آن را در مناسبات به‌نوعی تعریف کرد. به عبارت دیگر نمی‌توان تأثیر وجود این عنصر را نادیده انگاشت.

## الگوی موازنه

در شرایط حاضر بر اساس این الگو وجود ایالات متحده را به‌عنوان عنصر بیگانه حاضر در منطقه می‌توان پذیرفت اما به رسمیت شناخت. ولی در ترتیبات امنیتی آن را مورد توجه قرار داد. تحقق این مدل الزاماً به معنی حذف فوری ایالات متحده از صحنه نیست، اما می‌توان به‌گونه‌ای طراحی کرد که به هضم آن بیانجامد و از وضعیت پیش‌آمده به‌عنوان یک فرصت استفاده کرد.

بر اساس آنچه که در تعریف ترتیبات امنیتی اشاره شد، واقعیت‌هایی در صحنه وجود دارد که بر تعاملات اثر می‌گذارد. مثل اینکه جوهر و مبنای نگرشی ما به مبانی امنیتی با دیگر کشورها و قدرت‌های منطقه متفاوت است.

مبنای اصلی ما در نگرشمان به ترتیبات امنیتی، یک مبنای ایدئولوژیک است و این امر ممکن است برای دیگر قدرت‌ها پذیرفته نشود.

مثلاً عربستان اگرچه برای شکست ایران در جنگ عراق ۳۰ میلیارد دلار هزینه کرد، اما اکنون حاضر است بسیار بیشتر هزینه کند تا تفکر شیعه در لبنان و جهان عرب به پیروزی نرسد. با توجه به وجود این تضادها در سطح کشورهای منطقه، الگوی موازنه مناسب‌ترین الگو است زیرا در مدل موازنه، ماهیت وجودی قدرت‌ها به رسمیت شناخته می‌شود و طرفین ظرفیت‌ها، قدرت و توان یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند.

آنچه که در این الگو ریشه تعامل است، شوق به همزیستی مسالمت‌آمیز نیست، بلکه نگرانی از فنا و تهدید متقابل است که عنصر اصلی این موضوع بازدارندگی است.

بازدارندگی، تمهید شرایط و ابزاری است که بدون به‌کارگیری زور نظامی، دشمن را از ورود به عرصه متنازع منصرف کند.

آنچه که در این میان مزیت نسبی است، همان سطح غیرمتعارف و غیرهمسطح است و آن قدرت تضادسازی است که عناصر متنوع در این عرصه به دلیل ادغام منافع سطوح استراتژیک دشمن می‌توانند تمام مؤلفه‌های قدرت دشمن را تحت تأثیر قرار دهند. به همین دلیل ایران در سیستم ترتیبات امنیتی خود نیازمند توانمندی‌های متنوع غیرهمسطح است که با آن بتواند ترتیب امنیتی مناسب را ایجاد کند.

اما این ترتیب باید یک دیپلماسی قوی و غیرهمسطح را در اختیار داشته باشد که با ادغام آن با سه سطح موازنه استراتژیک، متعارف و غیرمتعارف بتواند از مسیر اثبات توانمندی خود، کشورهای منطقه را مجاب به تمکین و مدارا نموده و به جای اعتمادسازی، معتمدسازی کند. در این الگو معتمدسازی به معنای این است که کشورهای مؤثر در صحنه معتمد یکدیگر باشند.

به‌طور مثال به‌جای برداشت ایدئولوژیک از دین به سمت برداشت بنیادین اصولی از دین رفته و بر این اساس گفتمان مشترک ایجاد شود. در این حالت ایدئولوژی کشورهای مختلف در جای خود محترم و باید هر یک به دیگری احترام بگذارند؛ اما بر اساس اصول بنیادین دینی، معتمد دینی یکدیگر باشند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در یک نتیجه کلی باید این مورد را مورد توجه قرار داد که منطقه غرب آسیا از دیرباز همیشه مورد توجه قدرت‌های بیگانه بوده است؛ به‌طوری‌که سال‌های ابتدایی حضور استعمار قدرت‌های بزرگی همچون پرتغال، هلند، بریتانیا، فرانسه و در پایان هم آمریکا را می‌بینیم که همیشه از این منطقه از جهان به‌عنوان یک منبع درآمد مناسب استفاده کرده‌اند.

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر شاهد تحول و دگرگونی عظیم در معنا و مفهوم امنیت بوده‌ایم، هم‌اکنون یک مفهوم کلی و گسترده‌ای دارد که تنها شامل بُعد نظامی و تسلیحاتی نمی‌شود، بلکه معنا و مفهوم آن بسیاری از ابعاد زندگی ما، اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی را نیز شامل می‌گردد.

بر اساس بحث‌های انجام‌شده، ایران خواهان استقرار الگوی امنیت دسته‌جمعی درون سیستمی از نوع پایدار است و دو پیش‌شرط را برای تحقق آن لازم می‌داند: این الگو بایستی بومی و بدون حضور نیروهای خارجی باشد. بایستی تمامی کشورهای منطقه در تحقق آن مشارکت و حضور فعال داشته باشند. خارج بودن یک کشور از این سیستم موجب ناکارآمد شدن نظام امنیت منطقه‌ای ارزیابی می‌شود، زیرا در میان‌مدت همان قدرت خارج از سیستم به معضلی برای برقراری ثبات منطقه‌ای تبدیل می‌گردد.

همچنین در شرایط حاضر، الگوی موازنه در حوزه خلیج فارس می‌تواند الگویی مناسب و کارآمد تلقی گردد و بر اساس این الگو وجود ایالات متحده را به‌عنوان عنصر بیگانه حاضر در منطقه می‌توان پذیرفت اما به رسمیت نشناخت. ولی در ترتیبات امنیتی آن را مورد توجه قرار داد؛ اما برای پیاده نمودن این الگو موانعی بر سر راه وجود دارد از جمله این موانع که می‌توان به آن اشاره کرد عبارت‌اند از:

الف) مخالفت‌های خارجی (وابستگی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به منابع سرشار نفت خلیج فارس و نگرانی آن‌ها از رشد اسلام‌گرایی موجب شده است که آنان تحولات درونی این منطقه را به‌دقت رصد نمایند، لذا تحقق هر نوع ترتیب جدید امنیتی که به‌نوعی استقلال خاصی برای منطقه و کشورهای درون آن به همراه داشته باشد با مخالفت‌هایی از سوی آنان مواجه خواهد شد).

ب) مقاومت احتمالی دولت‌های منطقه.

ج) ناامن بودن عراق و مبهم بودن آینده این کشور می‌تواند روند انعقاد پیمان دفاعی - امنیتی مشترک را با مشکل یا حداقل تأخیر بلندمدت مواجه کند.

د) حضور نظامی آمریکا در عراق و منطقه.

ه) وجود منازعات مرزی بین کشورهای منطقه.

و) ذهنیت نامناسب شکل گرفته بر اساس تجربیات تلخ گذشته (وقوع دو جنگ متوالی و طولانی در خلیج فارس، خرید و انباشت تسلیحات گوناگون ناشی از سوءظن کشورها



به هم روند تردیدآمیز صلح خاورمیانه، مشکلات عراق، تروریسم و حرکتهای افراطی مدعیان اسلام‌گرایی، تبلیغات منفی و گسترده غرب علیه تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران، عدم موفقیت رژیم‌های امنیتی تحمیلی بر منطقه و...).

در صورتی که زمینه‌های مناسب برای پیاده نمودن الگوی موازنه در منطقه فراهم گردد فرصت‌های مناسبی را پیش روی کشورهای این حوزه به وجود می‌آورد؛ از جمله این فرصت‌ها عبارت‌اند از:

۱ - انعقاد پیمان دفاعی - امنیتی، کشورها را با وضعیت جدیدی مواجه می‌کند که در آن با فرصت‌های زیادی روبه‌رو می‌شوند که لازم است با شناخت آن‌ها، اوضاع را مدیریت کنند.

۲ - تأمین منافع واقعی و بلندمدت کشورهای منطقه در امنیت درون سیستمی.

۳ - ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی.

۴ - فراهم شدن زمینه‌های لازم برای حل اختلاف‌های مرزی.

## پیشنهادات

برای کاهش تأثیرگذاری ایالات متحده در مسائل امنیتی و اقتصادی منطقه غرب آسیا این پیشنهادها ارائه می‌گردد:

- یک تیم از کارشناسان وزارت خارجه کلیه کشورهای منطقه با محوریت ایران یا یکی از کشورها به گونه‌ای کارشناسانه باید در حوزه مطالعات، بررسی‌ها، ارائه فرضیه‌های قابل اجرا و توصیه به مقامات ارشد به کار گمارده شوند. دیپلماسی فعال که تمرکز خود را روی سیاستمداران، استادان دانشگاه‌ها و بازرگانان قرار دهد.

- از لحاظ نظامی و امنیتی باید به‌طور مداوم رزمایش‌ها و مانورهای منظم و دقیقی را در منطقه به انجام رساند تا قدرت نظامی کشورهای منطقه به کشورهای جهان نشان داده شود.

- باید روابط و مرزهای کشورهای منطقه به طور مرتب تصحیح شود، زیرا تا به حال این مرزها همیشه این منطقه را دچار بحران کرده است. از جمله این مرزها می‌توان به مرزهای ایران و عراق، عراق و کویت، ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه اشاره کرد.
- ایجاد تریبون منطقه‌ای: تقویت نهادهای غیردولتی انجمن‌های دوستی بین کشورهای منطقه و تأمین تسهیلات لازم برای پیشبرد هدف‌های آنان.
- همسان‌سازی فرهنگی - اجتماعی (برای اعتمادسازی و رفع کدورت‌های مابین در میان کشورهای منطقه لازم است که با تقویت اشتراکات فرهنگی، زمینه تعاملات در سایر حوزه‌ها را نیز فراهم سازیم).
- راه‌اندازی کانون پژوهشگران منطقه غرب آسیا: ابزار علمی و کاربردی این انجمن، علم و منطق است که به دور از غرض‌ورزی‌ها اعمال گردد. این محفل می‌تواند حداقل در سه محور مشخص گام‌های سودمندی را در راه شکستن دیوارهای شک و تردید بردارد؛ (۱- ایجاد فرصت‌های مطالعاتی برای پژوهشگران منطقه، ۲- برگزاری همایش‌ها، ۳- همکاری دفاتر مطالعات منطقه‌ای).
- تقویت همکاری‌های اقتصادی: با توجه به اهمیت اقتصاد در جهان امروز و وابستگی شدید کشورهای منطقه به درآمدهای نفتی به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری‌های مشترک و استفاده از تجارب همدیگر باعث رونق منطقه و خارج شدن از سیستم تک‌محصولی گردد. الزاماً همگرایی مؤثر و تقویت همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای منطقه می‌تواند طرح و الگوی نظام‌مندی را برای توسعه منطقه و برون‌رفت از مشکلات موجود فراهم سازد. مهم‌ترین راهکارهایی که می‌تواند احتمال دستیابی به انعقاد پیمان دفاعی - امنیتی منطقه‌ای را تقویت کند عبارت‌اند از:
  - الف) تأکید بر مشترکات دینی و فرهنگی.
  - ب) تضمین امنیت تأمین انرژی جهان.

- ج) همکاری‌های اقتصادی زیربنای همکاری‌های امنیتی.
- د) اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی.
- ه) اطمینان به مشارکت منصفانه در نظام تصمیم‌گیری.
- و) اتخاذ رویکرد فرامنطقه‌گرایی از جانب همه کشورهای منطقه.
- ز) تلاش در حل اختلافات میان کشورهای منطقه.
- ح) همکاری ابتدایی کشورهای مشتاق.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- آرنولد تالبوت، ویلسون، (۱۳۴۸)، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران.
- ابراهیمی، شهروز، (۱۳۸۶)، «سیستم جدید قدرت در خلیج فارس»، گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ مجدد.
- ابراهیمی فر، طاهره، (۱۳۷۸)، بررسی علل واگرایی در منطقه خلیج فارس، فصلنامه سیاست خارجی سال سیزدهم، شماره ۲ تابستان ۷۸.
- الهی، همایون، (۱۳۸۴)، خلیج فارس و مسائل آن، چاپ هشتم، تهران: نشر قومس.
- امیر احمدی، هوشنگ، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران، ترجمه: علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۷۲ - ۷۱.
- امیراحمدی، هوشنگ، ایران و خلیج فارس دیدگاه‌ها و مسائل استراتژیک.
- اثبات‌سازی منطقه‌ای و اجتماع امنیتی در خلیج فارس، ویژه‌نامه همشهری دیپلماتیک، ترجمه ابراهیم متقی از: [Http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=PP00020050202002617](http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=PP00020050202002617) (22/02/1387)
- باری، بوزان، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- باری بوزان، (۱۳۸۱)، خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۱.
- بیانیه پایانی شورای همکاری خلیج فارس در سیزدهمین اجلاس سران، ابوظبی، ۲۳ دسامبر ۱۹۹۲ (سایت شورای همکاری خلیج فارس).
- پورطالب، روح‌الله، مسائل ژئوپلیتیکی، امنیتی، اقتصادی حوزه خلیج فارس، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، مرکز مطالعات خلیج فارس، ۸۹.
- جودیس اس. یافه، (۱۳۸۶)، استراتژی‌های امنیتی خلیج فارس، ترجمه سید مجتبی عزیزی، گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ مجدد ۱۳۸۶.
- جیمز راسل، (۱۳۸۵)، استراتژی، امنیت و جنگ در عراق: ایالات متحده و خلیج فارس در قرن ۲۱، ترجمه پیروز ایزدی، گزارش تحلیلی، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، شماره ۱۳۶، خرداد ۱۳۸۵.
- درایسندل آلسدایر و بلیک جرالداچ، (۱۳۷۴)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه: دره میرحیدری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- درویشی، فرهاد و نجومی، احسان، (۱۳۸۶)، مخازن مشترک هیدروکربوری ایران در منطقه خلیج فارس؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، جغرافیا، (نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱۲ و ۱۳ بهار و تابستان.
- دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان، (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای: امنیت‌سازی در جهانی نوین، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ربیعی، علی، (۱۳۸۳) مطالعات امنیت ملی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- روان‌بخش، قاسم و پورفیکوئی، سید علی، (۱۳۹۰)، استراتژی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- روزماری، هالیس، (۱۳۷۲)، امنیت خلیج فارس، ترجمه حاکم قاسمی، تهران: پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک دانشگاه امام حسین.
- زین‌العابدین، یوسف، (۱۳۸۶-۱۳۸۵)، درآمدی بر جغرافیای سیاسی پیشرفته، رشت: کتیبه گیل.
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۷۲)، ژئوپلیتیک، تهران: سمت.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، صص ۲۸۲-۲۷۹.
- فیلی رودباری، لواء، (۱۳۷۵)، کویت (کتاب سبز)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- کورد، سمن و آنتونی، اچ، (۱۳۸۱)، موازنه نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه، ترجمه: مجید خسروی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی سپاه پاسداران.
- کمپ، جفری و هارکاوی، رابرت، (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه: مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لی نورجن مارتین، (۱۳۸۳)، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصیری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مایکل کریگ، (۱۳۸۶)، بررسی چهارچوب‌های امنیتی جایگزین در خلیج فارس، ترجمه: خدیجه حیدری، گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ مجدد ۱۳۸۶.
- مجتهدزاده، پیروز و شفایی، سعید، (۱۳۸۵)، امنیت خلیج فارس گذشته، حال، آینده، چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون‌شونده، تهران: نشر نی.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۰)، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس: جغرافیای سیاسی دریایی، ترجمه: امیرمسعود اجتهادی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- مکین لای اردی، آرتیل، (۱۳۸۱)، امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- منشی، اسکندر و مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۵)، جزایر تنب و ابوموسی: رهنمونی در کاوش برای صلح و همکاری در خلیج فارس، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران.
- نگاهی به الگوی موازنه در ترتیبات جدید امنیتی خلیج فارس، روزنامه کیهان ۸۷/۷/۳، برگرفته از: <http://www.bashgah.net/fa/content/show/25843>
- نعیمی، ارفع بهمن، (۱۳۷۰)، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- واعظی، محمود، (۱۳۸۵)، ترتیبات امنیتی خلیج فارس، مجله راهبرد، شماره ۴۰، تهران، مؤسسه مطالعات راهبردی.
- همتی گل‌سفیدی، حجت‌الله و اقارب، محمدرضا، امنیت در خلیج فارس، هجدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه از: <http://www.bashgah.net/fa/content/show/22954>
- پیروز مجتهدزاده، (۱۳۷۱)، جغرافیای سیاسی تنگه هرمز: توسعه تدریجی نقش ایران (دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰)، ترجمه محسن صغیرا، اصفهان: راد.
- پیروز مجتهدزاده، (۱۳۷۹)، خلیج فارس: کشورها و مرزها، تهران: عطائی.
- پیروز مجتهدزاده، (۱۳۷۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: وزارت امور خارجه.

## ب. منابع انگلیسی

- Alan Larson, 2004. "Geopolitics of Oil and Natural Gas, Economic Perspective, May 2004 <http://usinfo.state.gov/journals/ites//0504/ijee/larson.htm>
- Kemp, Geoffrey. (2000) THE New (and Old) Geopolitics of The Persian Gulf, April 2000, vol.6 No.1 The Newsletter of FPRI's, wachman Center
- Sajedi, Amir (2009), Geopolitics of the Persian Gulf security: Iran and United States, IPRI journal IX, no.2
- Fuller, Graham e., February 16, 2011 "Bahrain Blowback", at: <http://www.nytimes.com>
- Alsiss Peter, Allison Marissa & Cordesman Anthony H, March 2012, "U.S. and Iranian Strategic Competition in the Gulf States and Yemen", at: [www.csis.org/files/publication/120228\\_Iran\\_Ch\\_VI\\_Gulf\\_State.pdf](http://www.csis.org/files/publication/120228_Iran_Ch_VI_Gulf_State.pdf)
- "Egypt's Violence heightens Concern About Growing Salafi Role", Christian Science Monitor, 10 May 2011, at: <http://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2011/0510/Egypt-violence.heightens-conc>